

(30)

کتاب عهدی

اگر افق اعلی از زخرف دنیا خالیست و لکن در خزائن توکل و تقویض از برای وراث میراث مرغوب لا عدل له گذاشتیم گنج نگذاشتیم و بر رنج نیفزودیم ایم الله در ثروت خوف مستور و خطر مکنون انظروا ثم اذکروا ما انزله الرحمن فی الفرقان : "ویل لكل همزة لمزه الذی جمع مالا و عدده " ثروت عالم را وفائی نه آنچه را فنا اخذ نماید و تغییر پذیرد لایق اعتنا نبوده و نیست مگر علی قدر معلوم

مقصود این مظلوم از حمل شداید و بلایا و انزال آیات و اظهار بینات اخمد نار ضغینه و بغضاء بوده که شاید آفاق افندهء اهل عالم بنور اتفاق منور گردد و باسایش حقیقی فائز و از افق لوح الهی نیر این بیان لائح و مشرق باید کل بان ناظر باشند

ای اهل عالم شما را وصیت مینمایم بآنچه سبب ارتفاع مقامات شما است بتقوی الله تمسک نمائید و بذیل معروف تشبث کنید بر راستی میگویم لسان از برای ذکر خیر است او را بگفتار زشت میالائید عفا الله عما سلف از بعد باید کل بما ینبغی تکلم نمایند از لعن و طعن و ما یتکرر به الانسان اجتناب نمایند

مقام انسان بزرگ است چندی قبل این کلمه علیا از مخزن قلم ابهی ظاهر امروز روزیست بزرگ و مبارک آنچه در انسان مستور بوده امروز ظاهر شده و میشود مقام انسان بزرگ است اگر بحق و راستی تمسک نماید و بر امر ثابت و راسخ باشد انسان حقیقی بمتابیه آسمان لدی الرحمن مشهود شمس و قمر سمع و بصر و انجم او اخلاق منیره مضيئه مقامش اعلی المقام و آثارش مربی امکان

هر مقبلی الیوم عرف قمیص را یافت و بقلب ظاهر بافق اعلی توجه نمود او از اهل بهاء در صحیفه حمراء مذکور خذ قدح عنایتی باسمى ثم اشرب منه بذکری العزیز البدیع

ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف منمائید نزد صاحبان بصر و اهل منظر اکبر آنچه سبب حفظ و علت راحت و آسایش عباد است از قلم اعلی نازل شده و لکن جهال ارض چون مربای نفس و هوسند از حکمتهای بالغه حکیم حقیقی غافلند و بظنون و اوهام ناطق و عامل

یا اولیاء الله و امناءه ملوک مظاهر قدرت و مطالع عزت و ثروت حقند در باره ایشان دعا کنید حکومت ارض بآن نفوس عنایت شد و قلوب را از برای خود مقرر داشت نزاع و جدال را نهی فرمود نهیا عظیما فی الکتاب هذا امر الله فی هذا الظهور الأعظم و عصمه من حکم المحو و زینه بطراز الاثبات انه هو العلیم الحکیم مظاهر حکم و مطالع امر که بطراز عدل و انصاف مزین اند بر کل اعانت آن نفوس لازم طوبی للامراء و العلماء فی البهاء اولئک امنائی بین عبادی و مشارق احکامی بین خلقی علیهم بهائی و رحمتی و فضلی الذی احاط الوجود در کتاب اقدس در این مقام نازل شده آنچه که از آفاق کلماتش انوار بخشش الهی لامع و ساطع و مشرق است یا اغصانی در وجود قوت عظیمه و قدرت کامله مکنون و مستور باو و جهت اتحاد او ناظر باشید نه باختلافات ظاهره از او

وصیة الله آنکه باید اغصان و افنان و منتسبین طرا بغصن اعظم ناظر باشند انظروا ما انزلناه فی کتابی الاقدس : " اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدأ فی المآل توجهوا الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القدیم " مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم بوده کذلک اظهرنا الامر فضلا من عندنا و انا الفضال الکریم قد قدر الله مقام الغصن الاکبر بعد مقامه انه هو الأمر الحکیم قد اصطفینا الاکبر بعد الاعظم امرا من لدن علیم خبیر محبت اغصان بر کل لازم و لکن ما قدر الله لهم حقا فی اموال الناس یا اغصانی و افنانی و نوی قرابتی نوصیکم بتقوی الله و بمعروف و بما ینبغی و بما ترتفع به مقاماتکم

براستی میگویم تقوی سردار اعظم است از برای نصرت امر الهی و جنودی که لایق این سردار است اخلاق و اعمال طیبیه طاهره مرضیه بوده و هست

بگو ای عباد اسباب نظم را سبب پریشانی نمائید و علت اتحاد را علت اختلاف مسازید امید آنکه اهل بهاء بکلمه مبارکه قل کل من عند الله ناظر باشند و این کلمه علیا بمثابه آبت از برای اطفاء نار ضغینه و بغضاء که در قلوب و صدور مکنون و مخزون است احزاب مختلفه از این کلمه واحده بنور اتحاد حقیقی فائز میشوند انه یقول الحق و یرحم السبیل و هو المقتدر العزیز الجمیل احترام و ملاحظه اغصان بر کل لازم لاعزاز امر و ارتفاع کلمه و این حکم از قبل و بعد در کتب الهی مذکور و مسطور طوبی لمن فاز بما امر به من لدن امر قدیم و همچنین احترام حرم و آل الله و افنان و منتسبین نوصیکم بخدمة الامم و اصلاح العالم

از ملکوت بیان مقصود عالمیان نازل شد آنچه که سبب حیات عالم و نجات امم است نصایح
قلم اعلی را بگوش حقیقی اصغا نمائید انها خیر لکم عما علی الأرض یشهد بذلک کتابی
العزیز البدیع